



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

داکتر ضیا نظام

شنبه ۱۷ اگست ۲۰۲۴

## بحران مهاجرت و ضرورت تشکیل دولت ملی و مردم سالار

بیش از ۴۵ سال می شود که افغان‌ها قربانی جنگ‌های ناخواسته، ظلم حاکمان، بیکاری، فقر و مداخلات بیگانگان بوده و در نتیجه گروه بزرگی از هموطنان ما بی خانمان شده اند. میلیون‌ها تن در اثر مهاجرت و بی جاشدگی دچار رنج و قربانی بی شمار گردیده اند. تخمین می شود که یک چهارم نفوس افغانستان امروز خارج از کشور زندگی می کنند، و اکثر آنان در عالم مهاجرت دچار بی‌چارگی، عدم دسترسی به حداقل امکانات و بی سرنوشتی اند. آنان در کشورهای میزبان، به ویژه (بخصوص) در ایران و پاکستان مورد ستم، تبعیض و استثمار قرار دارند. آنان برای فرار از جنگ، تنگدستی و استبداد مهاجرت کرده اند تا به آزادی و آرامش نسبی برسند، و آبرو و عزت نفس شان را حفظ کنند، اما متأسفانه چه در مسیر مهاجرت و چه هنگامی که در کشورهای میزبان، به خصوص در کشورهای همسایه مقیم می شوند، دچار مشکلات و رنج‌های تحمل ناپذیر می گردند. کشورهای همسایه، به ویژه پاکستان و ایران، مقصد اصلی مهاجران افغان بوده اند. در این چند دهه، هموطنان مهاجر ما تجارب تلخ و شیرین بسیاری از جوامع میزبان داشته اند. در خیلی از موارد، جوامع میزبان از حضور مهاجران در رونق اقتصاد خود سود برده اند و در عوض فرصت‌های خوبی را با هموطنان ما شریک ساخته اند. نمونه‌های فراوان از هم زیستی سازنده در این مدت میان افغان‌های مهاجر و مردم ایران و پاکستان وجود داشته است. بخشی از مردم ما در این مدت از نظر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با ساکنان این دو کشور همسایه مدغم شده اند، هرچند هنوز فرصت ادغام سیاسی و رسمی آنان مساعد نگردیده و با وجود چند نسل زندگی در این کشورها، فرزندان شان از حقوق مدنی و شهروندی برابر با ایرانیان و پاکستانی‌ها برخوردار نشده اند.

متأسفانه بعد از برگشت طالبان به قدرت و خروج میلیونی هموطنان ما از کشور، شرایط برای افغان‌ها در ایران و پاکستان سخت تر گردیده است و حاکمان این دو کشور از این جمعیت بزرگ بی خانمان چون ابزار سیاسی استفاده می کنند. از یکسو از نیروی ارزان میلیونی آنان بهره‌کشی

می کنند و از سوی دیگر تلاشی به خاطر تسهیل زندگی آبرومند برای آنان انجام نمی دهند، بلکه زمینه را برای رفتار برده وار و مملو از تحقیر و توهین با آنان فراهم می کنند. اذیت، لت و کوب، اخراج بی موجب، قتل و غارت اموال و دستمزد کارگران مهاجر بخشی از واقعیت تلخ زندگی آنان شده و هرازگاهی اخبار دردناک از رفتار خشونتبار با مهاجران شنیده می شود.

براساس احصائیه سازمان بین المللی مهاجرت، در سال ۲۰۲۰ در کل جهان بیش از ۲۸۰ میلیون مهاجر زندگی می کردند. این رقم معادل ۳.۶ درصد کل نفوس جهان است و بنابر گزارش سازمان مذکور در سال ۱۹۹۰ تعداد مهاجران جهان ۱۵۰ میلیون تن بوده است. در مدت سی سال تعداد مهاجران نزدیک به دو چند شده است، در حالی که رشد نفوس جهان به مراتب کمتر از این بوده است.

طبق ارقام بین المللی، فعلاً ۸.۲ میلیون افغان خارج از کشور و در مهاجرت زندگی می کنند. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان (یو ان اچ سی آر) گزارش داده است که بیشتر این جمعیت، یعنی ۵.۶ میلیون تن، بعد از قدرت گیری طالبان در سال ۲۰۲۱ کشور را ترک کرده اند. با تسلط طالبان ترس از بدرفتاری و انتقام، اعمال محدودیت های ضد بشری، افزایش فقر و بیکاری باعث شده که بخش بزرگی از نفوس کشور از نقاط مختلف دست به مهاجرت بزنند. تنها در سال اول حاکمیت طالبان بیش از ۳.۲ میلیون تن از خانه خود آواره شدند. طبق آمار کمیساریای عالی سازمان ملل متحد، ۷۰ درصد این بی جا شدگان و آوارگان زنان و کودکانند. سازمان مذکور گزارش داده است که بحران بیجاشدگان افغان یکی از بزرگترین و طولانی ترین بحران هایی از این نوع است و اکنون نسل سوم گروهی از افغان ها در تبعید بزرگ می شوند.

بدرفتاری با مهاجران در ایران و پاکستان از سالیان دراز به این طرف جریان داشته است و آنان در این دو کشور به ویژه از سوی پولیس و کارفرمایان تحقیر و اذیت می شوند. در این اواخر بدرفتاری و خشونت مخصوصاً در ایران اوج گرفته است. مخالفت با حضور افغانها از سوی مسوولان محلی و به تبع آن از سوی بخشی از مردم ایران افزایش یافته است. کارگران افغان از بعضی مناطق تهران با زور اخراج می گردند و در برخی مناطق دیگر ایران از مالکان خانه ها خواسته می شود تا به افغانها خانه کرایه ندهند و قرارداد نبندند. مسوولان گاهی از حضور افغانها چون ابزار سیاسی برای توجیه مشکلات و کمبود های موجود استفاده می کنند و این گونه تلاش دارند فشار انتقادات و اعتراضات را کاهش دهند. از آنجایی که مردم ایران زیر بار مشکلات اقتصادی و محدودیت های اجتماعی و سیاسی به ستوه آمده اند، گاهی فریب سیاست بازی ها را خورده و

تصور می نمایند که وجود انبوه مهاجران افغان در خلق وضعیت کنونی و تشدید مشکلات آنان نقش دارند. از این رو، به خصوص در مناطقی که مقامات دولتی نیز سیاست افغان هراسی را ترویج می کنند، حملات خشونتبار و رفتارهای ضد بشری علیه مهاجران صورت می گیرد. گزارش هایی در این اواخر از حمله گروهی به جان افغان ها، چاقوکشی و آلت و کوب مهاجران بدون تفکیک پیر، جوان، زن و کودک نشر شده است. هزاران مهاجر افغان هر روز در پاکستان و ایران بدون توجه به وضعیت خاص آنان و خطراتی که با برگشت به وطن رو به رویند، اخراج می شوند. تعدادی از این اخراج شدگان که سابقه کار در اردو، استخبارات و پست های حساس در دیگر ادارات دولت جمهوری اسلامی افغانستان را دارند، با شکنجه و زندان رو به رو می گردند و عده ای کشته می شوند.

این دو کشور همسایه در بیش از چهار دهه منازعه جاری در افغانستان از مهاجران استفاده ابزاری کرده اند. زمانی به دلیل رقابت های منطقه ای مهاجرت از افغانستان تشویق می شد و حتا از طریق رسانه ها و گروه هایی مورد حمایت این دو کشور و متحدان بین المللی آنها، مهاجرت را امر دینی و مسوولیت مومنان تبلیغ می کردند. آیت الله خمینی گفته بود: «اسلام مرز ندارد.» جنرالان و رهبران پاکستان از مهاجرت افغانها به خاک آن کشور حمایت می کردند. این دو همسایه وجود دولت خلق و پرچم و وابستگی آنها به شوروی را خلاف منافع خود دانسته و برای سرنگونی آن تلاش می کردند. ضمناً مبالغ هنگفتی برای پروژه های جنگ و مهاجرت افغانها از سوی دولت ها و نهاد های بین المللی ناتو محور در نظر گرفته شده بود.

زمانی که موج مهاجرت به پاکستان تازه شروع شده بود، دولت آن کشور در سطح بین الملل با تجرید مواجه بود. جنرال ضیاء الحق کودتای نظامی کرده و ذوالفقار علی بوتو، رئیس جمهور پاکستان را اعدام کرده بود و در نتیجه، در جامعه بین المللی هرگونه رابطه اقتصادی و سیاسی گرم با آن دولت کودتایی با تردید مواجه بود. کشور در فقر اقتصادی، انزوای بین المللی و اختلافات عمیق داخلی تقلا می کرد. کودتای هفت ثور و اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ برای افغانستان سرآغاز جنگ و بی ثباتی ولی برای پاکستان فرصت فوق العاده بود تا به بازیگر مهم یک نزاع مهم بین المللی در منطقه بدل گردد. نقش قراردادی دولت پاکستان در بسیج و مدیریت مجاهدین و توزیع کمک های بین المللی به جنگجویان، به اردو و استخبارات آن کشور فرصت داد تا از کمک های هنگفت غرب بهره بگیرند. در همین سال ها پاکستان سلاح اتمی را در سایه لطف غرب به دلیل نقش این کشور در جنگ افغانستان آزمایش کرد و مدارس بسیاری را برای تربیت جنگجویان مذهبی ایجاد و تمویل

نمود که بخش عمده مواد خام و نیروی رایگان آنها را فرزندان مهاجران افغان تشکیل می دادند. در سال های پایانی جهاد، دولت پاکستان چنان خود را برنده احساس می کرد که برای ایجاد کنفدراسیونی متشکل از افغانستان و پاکستان و گرفتن سهم برجسته از بازار و منابع طبیعی آسیای میانه «برنامه ریزی» می کرد. مدارس مذهبی و گروه های تندروی که زیر چتر آی اس آی و اردوی پاکستان شاخه و پنجه کشیده بودند، مثل بمب اتم، سلاح ستراتژیک خوانده می شدند، و مهاجران افغان که به تعداد میلیونی در کمپ ها، روستاها و حاشیه های شهرهای پاکستان پناه گرفته بودند، چوب سوخت و مواد خام این پروژه شده بودند.

این سود جویی ضد بشری و مخرب بعد از سقوط اداره اول طالبان، در دوره جمهورییت نیز ادامه یافت. پاکستان از یکسو با فراهم ساختن مسیر ترانزیت لوجستیک ناتو از کمک های هنگفت غرب برخوردار گردید و از سوی دیگر با پناه دادن، تربیه و تجهیز طالبان برای دوره بعد از تهاجم ناتو سرمایه گذاری کرد تا «عمق ستراتژیک» اش در خاک افغانستان تضمین گردد. اما، سالها اتکا به کمک های خارجی، تروریسم پروری و نظامی گری برای کشور پاکستان عواقب ناخواسته ای به همراه داشت که اکنون شاهد آنیم: دولت ضعیف، اردوی منزوی و مواجه با مردم، اقتصاد فروپاشیده و جامعه شدیداً رادیکالیزه و گرفتار انواع نزاع فرقه ای، قومی، طبقاتی و سیاسی.

ایران نیز از نیروی مهاجران در پیش برد سیاست های منطقه ای اش بهره برده است، و گروه بزرگی از جوانان افغان را با تطمیع و تهدید سالها گوشت دم توب جنگ هایش در کشورهای عربی ساخت، دست کارفرمایان را در بهره کشی کارگران باز گذاشته و کارهای شاقه و کم درآمد را بر افغانهای مهاجر تحمیل کرده است.

بدتر شدن بحران مهاجرت پس از روی کار آمدن طالبان، و نیز افزایش فقر و بیکاری در ایران و پاکستان سبب تشدید نگران کننده مهاجرت سستی شده است. سازمان بین المللی مهاجرت گزارش داده است که در مدت ۴ سال اخیر تعداد ۸ میلیون افغان کشور را ترک کرده و ۸۵ درصد این مهاجران (۶.۸ میلیون نفر) به پاکستان و ایران پناه برده اند. سهم ایران این بار از مهاجران افغان بسیار بیش تر از پاکستان است، چرا که بخشی از این مهاجران قصد رفتن به اروپا را دارند و به ایران چون گذرگاه می بینند، و در عین حال وضعیت اقتصاد پاکستان بسیار ناگوار است و دولت آن کشور به اخراج گروهی مهاجران دست می زند.

با این وجود، برخورد غیرانسانی با این جمعیت بزرگ بیجا شده و مهاجر توجیه پذیر نیست. ویدیوهای ناراحت کننده از آزار و اذیت افغانها در ایران و حمله به منازل و محل کار آنها در

شهرهای مختلف ایران نشر شده است و حکایت از رفتار غیرانسانی و خلاف موازین بین‌المللی دارد. با اینحال، در وضعیت دشوار امروز، نالیدن از این وضعیت نیز چاره ساز نیست. این مشکلات ما را به جدیت و عاجل بودن حل سیاسی مسأله افغانستان بیش تر متوجه می سازد. سیاستمداران، فرهنگی ها، منتقدان و فعالان مدنی باید برای تشکیل حکومت ملی تلاش کنند تا کشور از این بحران نجات یابد. در شرایط کنونی اکثر ساکنان کشور مهاجران بالقوه هستند، و خیلی از جوانان و کودکان برای خود آینده ای در وطن تحت تسلط گروه ضد تعلیم و آزادی تصور نمی توانند. اگر این بی دولتی و بحران ادامه یابد، میلیون ها انسان دیگر با وجود خطرات بی شمار مهاجرت، کشور را ترک خواهند گفت و ما باز هم شاهد آزار و اذیت وطنداران خود در مرزها، کارگاهها، بازارها، شهرها و روستاهای منطقه خواهیم بود.